جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

یکشنبه ۶ آذر ۱۴۰۱ ۶۳۶۶

سفر به قزوین در «میشه که بشه»

۶

گفت‌وگوی «جام جم» با سعید مقدم‌منش
صداپیشه و مدیر دوبلاژ سیما

پیشکسوتان، هویت دوبلاژ ما هستند

در سریال افسانه جومونگ، قبل از هرگونه زرق و برق لوای امپراتوری، پدری نگران و دغدغه‌مند فرزندانش بود. در دنیای واقعی هم همین‌طور است. در لابه‌لای تمام صحبت‌ها و طنین صدایش به راحتی می‌شد حدس زد نگران آینده فرزندانش در صنعت هنر دوبله است. ابتدا با کمی دلخوری البته با چاشنی نگرانی از آینده سر صحبت را باز کرد ولی رفته رفته، از سالیان عمری گفت که پای میکروفن برای مردم خاطره ساخته است.

۶

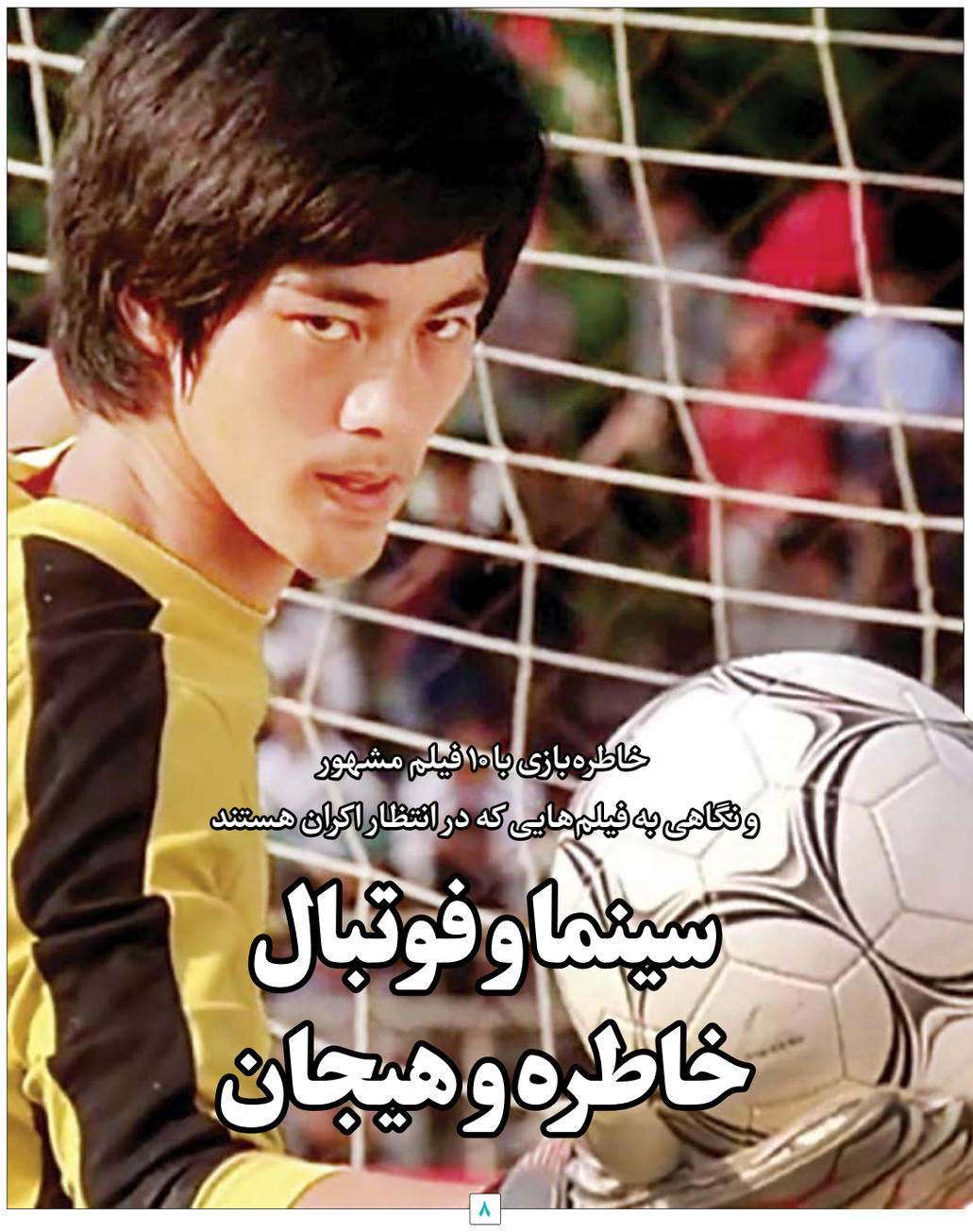

خاطره‌بازی با ۱۰ فیلم مشهور
و نگاهی به فیلم‌هایی که در انتظار اکران هستند

سینما و فوتبال خاطره و هیجان

۸

رسانه

گفت‌وگوی «جام جم» با رضا فیاضی

برخی آثار نمایش خانگی خشونت را ترویج می‌کند

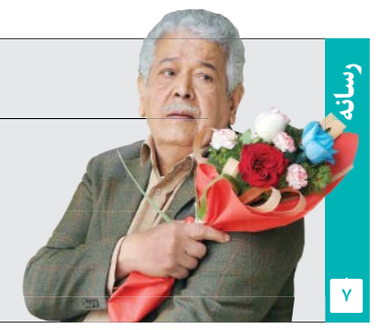

۷

تئاتر

نگاهی به تعهد اجراگران به مخاطبان

آنان که نمی‌گذارند چراغ تئاتر خاموش شود

۱۱

ویژه

نگاهی به چالش‌های موسسه‌ای به نام «خانه سینما»

ماجرای تخم‌مرغ‌های یک مرغ خیالی!

در صحنه‌ای از فیلم «آنی‌هال» ساخته وودی‌آلن، شخصیت اصلی داستان به نام آلوی سینگر (که خود وودی آلن نقشش را بازی می‌کند) مشغول تعریف‌کردن یک جوک است.

۱۰

آخرین مصاحبه‌های زاهدی روی آنتن

مستند سینمایی «داستان یک جدایی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی احمد شفیعی که به واقعه تاریخی جدایی بحرین از ایران می‌پردازد...

۷

چرا در هزاره سوم و عصر اینترنت هم هنوز برخی فریب رمال‌ها را می‌خورند؟

جولان رمال‌ها در دنیای مجازی

۱۲

یادداشت

اندر احوال فرار به جلوی
هیات‌مدیره کانون نمایشنامه‌نویسان

توپ را به زمین دیگران نیندازید

علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

فرهنگ‌سازی از آن دست واژه‌های ملموسی است که این روزها بسیار از آن سخن می‌رود. زیادند مدعیانی که با بروز هر بحران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به سرعت به این واژه پناه می‌برند و اصطلاح «باید فرهنگ‌سازی شود، فرهنگ‌سازی نشده است و...» را به‌کار می‌برند. فرهنگ‌سازی پدیده‌ای است که در آن، جامعه تلاش می‌کند فکر یا کنش خاصی را به ارزش و هنجاری پذیرفته‌شده و فرهنگی تبدیل کند. فرهنگ‌سازی عمدتا از طریق واسطه‌های فرهنگی در سه مرحله تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی منبعث از خلاقیت‌های بشری در عرصه هنر، دانش و... صورت می‌پذیرد و در این حیطه، خاصه هنرمندان نقش بسزایی را برعهده دارند.

هنر به واسطه ارتباط تنگاتنگی که از ابتدای تاریخ با زندگی بشر داشته، محور اصلی آموزش و پرورش اجتماع است و نقش بسزایی در فرهنگ‌سازی در همه مراحل اندیشه‌پردازی، ارزش‌گذاری، هنجارسازی، نمادسازی، جامعه‌پذیری و الگوسازی و نوآوری رفتاری دارد.

در این ایام که ناآرامی‌ها، فضای ملتهبی را در جامعه ایجاد کرده است، به‌دنبال حلقه واسطه و گفتمانی هستیم که ناگهان بیانیه «استعفای اعضای کانون نمایشنامه‌نویسان و مترجمان تئاتر ایران» منتشر شد.

آنها در بیانیه استعفایشان با این ادعا که «ما تباه شدیم؛ چراکه دولت‌ها یکی پس از دیگری آمدند و گرهی از این کلاف سر در گم مدیریت فرهنگی باز نشد! به‌راستی از تئاتر ایران چه مانده است؟ از هنر درام‌نویسی و بالندگی آن در این مرز و بوم چه مانده است؟ از شرافت و آزادگی و حق‌خواهی چه مانده است؟ ما چه داریم که به آیندگان بسپاریم؟»

فارغ از این‌که چنین ادعاهایی چه مبنایی دارد؟ و اصلا در این روزها چه جایی از اعراب دارد یا نه، باید گفت واقعا تعجب می‌کنیم از استعفای هنرمندانی که در شعار هنر را نه برای نان و نه برای نشان، بلکه برای مردم می‌خواهند اما در عمل قافیه را به جریان جنگ روانی و احساسی کردن جامعه به این راحتی می‌بازند و به‌جای پذیرش کم‌کاری‌ها و تلاش برای شروعی دیگر برای فرهنگسازی، توپ را به زمین دولت‌ها می‌اندازند و خود از همه وظایف شانه خالی می‌کنند؛ مگر نه آن‌که وظیفه اصلی هنرمند فرهنگ‌سازی و آموزش فرهنگ و ارزش‌هاست و اگر در این مسیر خللی وارد است آنها متهم ردیف اول هستند.

مگر هنر وظیفه‌ای مهم‌تر از فرهنگسازی داشته است؟ مگر نه این‌که هنرمند در طول تاریخ، در همه بحران‌ها و در همه کشورها، طراحی شیوه‌های جدید و تاثیرگذار آموزش براساس شرایط را بر عهده دارد؟

هنرمند امروز در فقدان راه‌های پذیرفته شده برای گفت‌وگو و نیز فقدان تمایل برای گفت‌وگو مقصر است. در عدم توسعه فرهنگ اعتراض در جامعه مقصر است. این گروه هنرمند مقصر است که مردم و مسئولان رفتار تنش‌زا دارند چون از وظیفه اصلی خود که همان آموزش و پرورش است، غافل بوده یا بهتر بگوییم راه را اشتباه رفته است. اعضای هیات‌مدیره کانون نمایشنامه‌نویسان، توپ را به زمین همدیگر نیندازیم. بیایید اشتباهاتمان را بپذیریم و به دور از همه هیاهوها و فشارها، کمی هم به کارکردهای فرهنگی خودمان بیندیشیم تا ببینیم چقدر در شکل‌گیری شرایط موجود مقصر هستید؟

مردم ایران بیش از آن‌که «شاهدان تاریخ» بخواهند، هنرمندان متعهدی می‌خواهند که مسئولیت اشتباهاتشان را بپذیرند.

نگاه

نتیجه اتحاد ملی؛ پیروزی در صحنه جنگ روایت‌ها

مینوخانی
گروه فرهنگ و هنر

در حجم انبوه رسانه‌های رسمی و غیررسمی غرق شده‌ایم، در حجم انبوه خبرهای ضد و نقیض دست و پا می‌زنیم؛ خبرهایی که منابع آن هر روز موضعی جدید درباره موضوعات مختلف اتخاذ می‌کنند. سرگردان میان باور، درک و دریافت و انتخاب حیرانیم. از هر سو صدایی برخاسته است؛ نمونه اخیر آن همین فوتبال.

یک روز تیم ملی ایران آن‌قدر بزرگ و پراقتدار و افتخارآفرین است که هر کس با خود فکر می‌کند اگر با آن همسو نشود، حتما به حس وطن‌پرستی‌اش خیانت کرده و یک روز آن‌قدر حرف و حدیث درباره همین تیم افتخارآفرین می‌شنویم که همه تصورات‌مان درباره افتخارآفرینی مخدوش می‌شود.

چه کسی یا چه چیزی باعث این سرگردانی و حیرانی شده‌است؟ جنگ روایت‌ها، یکی از مهم‌ترین مسائل امروز عالم رسانه است که امروزه در همه عالم وجود دارد و در ایران به دلایل مختلف قوی‌تر و پرسر و صداتر است. یک مؤسسه آمریکایی در این باره می‌گوید: «ما در این قرن وارد جنگ روایت می‌شویم و هر کس که بتواند روایت خودش را -به یک معنا گزارش خودش را- از پدیده‌ها در آن روز بیان کند، آن روز حاکم است».

این به آن معناست که رسانه‌ها بیش از پیش سلاح علیه هم برکشیده‌اند تا هر چه بیشتر مخاطب را به سمت خود بکشند و در یارگیری له و علیه دست پرتر باشند.

آخرین این خبرها که در میدان جنگ روایت رسانه‌ها به کارزار آمده، خرید «حق پخش مسابقات فوتبال جام جهانی» از قطر توسط صداوسیمای جمهوری اسلامی است. در حالی که برخی رسانه‌ها با سند و مدرک، این حق خرید را اعلام می‌کنند، برخی رسانه‌های داخلی و خارجی فارسی‌زبان آن را نفی می‌کنند، البته بدون سند و مدرک.

اما سلاح مقابله با این جنگ روایت‌ها یا جنگ نرم چیست؟ مسلما دفاع/ قدرت نرم یا دیپلماسی فرهنگی. اما دیپلماسی فرهنگی یعنی چه؟ در تعریف کوتاه آن آمده است که دیپلماسی فرهنگی شامل «تبادل اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر، زبان و سایر جنبه‌های فرهنگی میان کشورها و مردمان آنها به منظور تقویت درک متقابل» است. هدف دیپلماسی فرهنگی این است که فرصتی برای درک درست از آرمان‌ها و رسم و رسوم مردم یک کشور ایجاد کند تا بر مبنای آن، اهداف اقتصادی و سیاسی در سطحی گسترده به ثمر برسد. دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در دستیابی به سطوح بالای امنیت ملی دارد.

حال چه کسانی می‌توانند و باید در این حرکت فرهنگی نقش داشته‌باشند؟ مسلم است یکی از مهم‌ترین بازوهای این حرکت، رسانه‌ها هستند؛ چراکه رسانه نه فقط قوای چهارم است، که واسط بین مردم و دولت به حساب می‌آید و در این راستا، اتخاذ موضع در خصوص هر موضوعی باعث باورپذیری و تقویت آن امر در داخل و حتی خارج کشور می‌شود. و باز مسلم است در فضای عمومی و شرایط موجود در کشور، بیش از پیش به این دیپلماسی نیاز داریم. در شرایطی که رسانه‌های معاند روز به روز بیشتر از قبل باهدف از بین بردن امنیت و اتحاد ایران در تلاشند، این وظیفه نه فقط بر دوش رسانه‌های داخلی که بر تک تک افراد جامعه است که حملات دشمن را خنثی کنند؛ نه این‌که بر آتش دشمن بدمند. ضمن این‌که راستی‌آزمایی خبر قبل از انتشار آن یکی از مهم‌ترین وظایف رسانه‌هاست؛ وظیفه‌ای که به نظر می‌رسد از سوی برخی اهالی رسانه- چه در رسانه رسمی خود و چه در رسانه شخصی‌شان- در حال فراموشی است؛ رسانه‌هایی که گاه از روی بی‌دقتی همصدا با رسانه‌های معاند می‌شوند.

این‌که مسئولان دولتی قطر دریافته‌اند حضور خبرنگاران ایران اینترنشنال در ایام برگزاری مسابقات جام‌جهانی فوتبال به صلاح نیست یک دستاورد مهم است

از گذشته‌های دور تا امروز همیشه حضور بین‌المللی ایران در عرصه‌های مختلف خصوصا هنری و ورزشی تقویت غرور ملی و اتحاد ملت ایران را در پی داشته‌است؛ غرور و اتحادی که باید در روزهای سخت به کار آید، روزگاری که از هر سو باد ناملایمی علیه کشور می‌وزد و گاه در داخل نیز همراهانی پیدا می‌کند.

این‌که جانی اینفانتینو، رئیس فیفا با صدای رسا اعلام می‌کند اروپا طی ۳۰۰۰ سال گذشته اشتباه کرده و باید آن را جبران کند، باید ما را به تامل بیشتر درباره غرب وادارد؛ چرا که کسی از میان همان جامعه، کسی که سرد و گرم روزگار را در آن فضا چشیده‌است چنین اقراری می‌کند؛ اقراری که شاید هر آدم با انصافی که تجربه حضور و زندگی در غرب را داشته‌باشد، آن را تایید می‌کند.

این‌که مسئولان دولتی قطر دریافته‌اند حضور خبرنگاران رسانه سعودی ایران اینترنشنال در ایام برگزاری مسابقات جام‌جهانی فوتبال به صلاح نیست و از ورود آنها جلوگیری کرده‌اند، قطعا حضور رسانه‌های ایرانی در صحنه فوتبال جام‌جهانی یک دستاورد مهم است که باید همچون حضور تیم ملی در مسابقات ارج گذاشته و همچون ابزار قوی دیپلماسی فرهنگی به آن نگریسته شود.

یا در زمانی که مسئولان رسانه انگلیسی بی‌بی‌سی فارسی دریافته‌اند حضور آنها در این ایام به صلاح‌شان نیست و آب آن‌قدر آلوده نیست که آنها همچون همیشه ماهی خود را از آن بگیرند، باید از حضور رسانه‌های ایرانی در ایام برگزاری مسابقات خوشحال باشیم و باور کنیم در این حضور، صدای ما می‌تواند و باید بلندتر و رساتر باشد و بتوانیم از این طریق حضور پرقدرت ایران سرافراز را پررنگ‌تر کنیم و فراموش نکنیم قدرت تیم ملی با حمایت مردم به طور تصاعدی افزایش پیدا می‌کند. پس اگر خواهان پیروزی در صحنه جنگ روایت‌ها هستیم و می‌خواهیم پرچم سه رنگ پرغرورمان یک بار دیگر در صحنه بین‌المللی برافراشته شود، نه در زمین رسانه‌های معاند بازی کنیم و نه در تضعیف جایگاه و روحیه کسانی که در این زمینه در تلاشند.